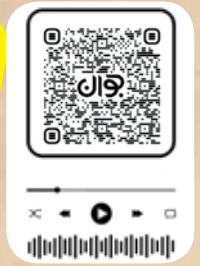


پاتوق

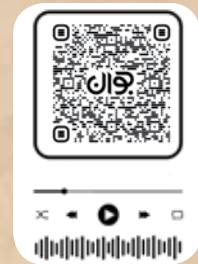
هنر ورسانه



مجید کاظمی
دبیر بخش هنر



محمد علی ارجمند
دبیر بخش رسانه



نگاهی به نقش خانواده در شکل‌گیری
شخصیت فرهنگی و ادبی پروین اعتصامی

از فضلی خانواده

تورا چه حاصل؟



مجید کاظمی

طراح گرافیک و سردبیر
مجله رشد آموزش هنر



شروع کنیم که پدر بزرگوار، جناب یوسف خان اعتصامی آشتیانی، ملقب به اعتصام الملک، خودشان برای خودشان برویایی داشتند. هم مترجم بود و ناشر و هم مدتی نماینده مردم تبریز در مجلس. مادر هم دستی در ادبیات و شعر داشت و پدر مادری پروین از شاعران دوره قاجار و متخلص به «شوری بخشایشی» بود. خلاصه از یک طرف کتابخانه و مجله و انواع وسایل خواندنی و لذت بردنی و از طرف دیگر هردری را در این خانه بازی کردی، نسیم فرهنگ و هنر می وزید. چی از این بهتر؟ به جز زبان آذری، زبان های فارسی، عربی و انگلیسی توسط پدر به دختر آموزش داده شد. دختر هم کوتاهی نمی کرد و همیشه شیرجه می زد وسط جلسات خودمانی و رفاقتی پدرش با امثال علی اکبر دهخدا، ملک الشعرا بهار، عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی و نصرالله تقوی و نویسندگان آن روزگار. کم نمی آورد. همیشه خودش را نشان می داد. می توانست کناری بایستد و به پدر و مادرش افتخار کند، ولی به خودش گفت از فضل پدر و مادر، مرا چه حاصل! و شد اختر آسمان شعر ایران.

پروین اعتصامی در وصف مادری فرماید:

به گاهواره مادر، به کودکی بس خفت
سپس به مکتب حکمت، حکیم شد لقمان
چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه
شدند یکسره شاگرد این دبیرستان

و در سوگ پدر می گوید

پدر آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل
تیشه ای بود که شد باعث ویرانی من

و در ادامه شعرش اسم پدر را به نام پیامبر تشبیه می کند و دوری خویش از پدر را به دریده شدن توسط گرگ. و چه تشبیه جانانه ای! چه ریتم زیبایی:

یوسف نام نهادند و به گرگت دادند
مرگ، گرگ تو شد ای یوسف کنعانی من

خلاصه وارد شعر پروین که می شوی، نمی توانی از در خلاصی راهی پیدا کنی. تا چند بیت نخوانی و حظ لازم را نبری، نمی شود.

مه گردونِ ادب بودی و در خاک شدی
خاک زندان تو گشت ای مه زندانی من

قدمت صحبت کردن درباره خانواده، به اندازه در اختیار گرفتن اولین دورفرمان (ریموت کنترل) خنک کننده (کولر) باستانی توسط پدرهای نخستین، تاریخی و دارای منابع قدرتمند است. بعضی از این پدرهای دورفرمان باستانی به دست، وقتی از خانواده و دورهمی هایش صحبت می کنند، یاد اولین حماسه «قافا گفتن» خواهر نازنین می افتند! یا یاد عجایب العمل های برادر کوچک تر در خنده هایش برای «آدی آدی کردن». چه می شود کرد؟ بعضی از پدرها، که تأکید می کنم دورفرمان باستانی به دست هستند، این شکلی فکرمی کنند.

هرچند همه خانواده ها را به خاطر این افراط و تفریط هانمی توان با یک چوب زد، ولی بعضی خانواده ها را می شود. بعضی از والدین که در این دوره و زمانه برای اولین حماسه پلک زدن فرزند خود جشن سالپانه برگزار می کنند و خلاصه شور همه چیز را در می آورند و برای نویسنده فضول این چند خط موضوع جور می کنند، اساساً توجه نمی کنند که همسایه های هنرمندشان، برای آنکه ایران گوهری تابان شود، خون دل ها خورده اند؛ خانواده هایی که نسل در نسل در آجرچینی فرهنگ و هنر ایرانمان کوشیده اند، بدون اینکه بعضی از سوسول بازی های این دوره و زمانه را داشته باشند.

پروین اعتصامی از آن دست همسایه های هنرمند است. یعنی بود خدایبامرز. پروین بانو یک نابغه عجیب در ادبیات ایران محسوب می شود و خاندانش در شهر تبریز برای خود بیابروی داشتند. یعنی این قدر حضرت در فن استادی خوب عمل می کرد که پدر مرحومشان با شنیدن هر کدام از شعرهایش مدام زمزمه می کرد: شیر مادر و نان پدر حلال! اصلاً می گویند آقای «هادی عامل» این جمله تاریخی را از آبوی پروین خانم شنیده و در گزارش های گشتی به کار گرفته و بعدها مورد استقبال عموم قرار گرفته است.

خانواده اعتصام الملک، دختر را هل می داده و تشویقش می کرده و دختر هم منتظر فدایت شوم و قربانت بگردم مادر و پدر نمی شده و سعی ساعی و تلاش وافی می کرده است. پروین از خود حرکت و تلاش نشان می داده و خداوند متعال به ایشان و همه ایرانیان برکت نثار می کرده است. خلاصه این طور بگویم که سرکارعلیه از هفت سالگی آستین ها را بالا زده بود و در ۱۱ تا ۱۴ سالگی به پختگی شعری رسیده بود. بله یک شبه نبوده! خانم دود چراغ خورده اند و رنج فراوان!

حالا نقش خانواده چه بوده؟ ایشان که نبوغ خالص داشتند و به قول گفتنی ولش می کردید برای خودش در طبیعت می خرامید و شعر می گفت و وزن ادبیات ایران را بالا می برد، خب باید از اینجا



نگاهی به زندگانی
کمال‌الدین بهزاد؛ نقاش مطرح ایرانی

هنر زندگی



نقاشی بی‌نظیر کمال‌الدین بهزاد با نام، ساختن کاخ خُورَنق



اینجاری می‌خواهم از آخر به اول تعریف کنم. کمال‌الدین بهزاد از آن دست هنرمندان بزرگ است که اگر در آسمان ایران فقط چند ستاره باقی مانده باشد (زبانم لال)، حتماً یکی از آن‌ها، در عالم نقاشی، جناب کمال‌الدین بهزاد است. این کمال‌الدین با آن کمال‌الملک نقاش دوره قاجار فرق دارد. کمال‌الدین نقاش دوره‌های تیموری و صفوی است و کمال‌الملک نقاش دوره‌های قاجار و پهلوی. خلاصه، این دو با هم فرق دارند. مثل فریبز عرب‌نیا و ابوالفضل پورعرب. یا مثل آنانعمتی و آناهیتا همتی. شبیه هم هستند، ولی یکی نیستند. خلاصه، اسم کمال‌الملک را که برایش فیلم سینمایی هم ساخته‌اند کنار بگذارید و کمی حواستان را بدهید به کمال‌الدین بهزاد.

بهزاد هم هنرمند درجه یک زمان خود بود و هم معلم تأثیرگذار چهره‌های مردم. در زمان حیاتش آن قدر مطرح بود و آن قدر مردم و پادشاهان زمانه‌اش دوستش داشتند که کتاب‌هایش را روی دست می‌بردند و از هر طرف برایش کارت اقامت دائم (گرین کارت) می‌آمد که استاد تشریف بیاورد دربار ما. الان هم که در محضر شما دوستان هستیم، حجم مقاله‌ها و تحلیل‌های منتقدان ایرانی و خارجی درباره آثارش بسیار زیاد است و روی زندگی‌اش تحقیق و تفحص سنگین کرده‌اند.

بهزاد خان در شهر هرات به دنیا آمد، ولی از آنجا که پدر و مادرش در قید حیات نبودند، در نوجوانی زیر نظر استاد روح‌الله میرک مشغول به کار نقاشی شد. بعدها وقتی علی‌شیر نوایی استعداد و نبوغش را دید، زیر پر و بالش را گرفت و به این ترتیب رشد بهزاد در دربار تیموریان شروع شد.

بهزاد خان در شهر هرات به دنیا آمد، ولی از آنجا که پدر و مادرش در قید حیات نبودند، در نوجوانی زیر نظر استاد روح‌الله میرک مشغول به کار نقاشی شد. بعدها وقتی علی‌شیر نوایی استعداد و نبوغش را دید، زیر پر و بالش را گرفت و به این ترتیب رشد بهزاد در دربار تیموریان شروع شد.

خلاصه، بیشتر از اینکه از پدر و مادر بهزاد چیزی بدانیم، می‌توانیم از پدر معنوی و خانواده‌ای که برای خود ساخت صحبت کنیم. حالا علی‌شیر نوایی کیست؟ همین قدر عارضه که ریش و قیچی رابین فرهنگی دربار دست ایشان بود. خلاصه همه‌کاره بودجه‌های فرهنگی سلطان حسین بایقرا. و چه آدمی شد بابای قهرمان داستان! نبوغ که هست، علاقه هم که تا دلت بخواهد، و خدا چقدر کریم و بخشنده است که کسی مثل علی‌شیر نوایی را وسط راهت قرار می‌دهد تا بتوانی خودت را نشان بدهی! زندگی‌نامه بیشتر هنرمندان و بزرگان ایران و جهان را که نگاه کنی، یک عنوان علی‌شیر نوایی می‌توانی پیدا کنی. این قدر مسیر زندگی آدم را متحول می‌کند، بدون اینکه خودت بتوانی آینده‌را پیش بینی کنی!

خانواده کمال‌الدین مشخص نیست متأسفانه. تاریخ‌نگار معروف جناب «بازل گری» در کتاب نقاشی ایرانی به صراحت تأکید می‌کند "زندگی‌نامه‌اش از دوره یازده ساله سرنگونی تیموریان تا روی کار آمدن شاه طهماسب صفوی مشخص نیست"، و همان طور که بسیاری از آثار نقاشی‌اش، به دلیل امضانداشتن نقاشی‌هایش،

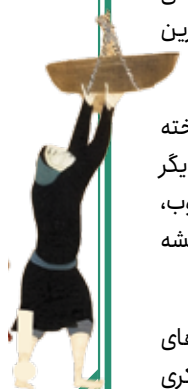
بهزاد نماد تلاش و سرسختی برای از بین بردن ناامیدی است. او در سراسر عمرش تلاش کرده کارهای سخت را به نتیجه برساند و آن قدر دور و برش را از آدم‌های ارزشمند، هنرمندان خلاق و صنعتگران مطرح پرمی‌کرد که خانواده‌ای معنوی و رفیقانی ناب برای خودش دست و پا کرده بود. لورنس بینون، شاعر و منتقد هنری انگلیسی، شخصیت کمال‌الدین بهزاد را محبوب و بی‌ادعا می‌داند؛ کسی که در کنار تیزبینی، اندیشمند است. بهزاد با توجه به اینکه به ریاست کتابخانه سلطنتی شاه اسماعیل اول می‌رسد، نشان می‌دهد در تجربه مدیریتی هم تواناست. صف شاگردانش هم نشان می‌دهد در فضای معلمی هم با شاگردانش بسیار صمیمی و دوست بوده است.

کمال‌الدین بهزاد به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نقاشان ایرانی، اعتبار خود را به دلایل متعددی کسب کرده است؛ مثل آرمان‌گرایی. آثار بهزاد به شدت تحت تأثیر آرمان‌گرایی و اصول زیبایی‌شناسی بوده‌اند. او توانسته است زیبایی و احساس انسانی را به بهترین شکل در آثار خودش به نمایش بگذارد.

شخصیت فردی: بهزاد یک هنرمند با اخلاق و متعهد شناخته می‌شد. شخصیت او و اخلاق حرفه‌ای‌اش در همکاری‌هایش با دیگر هنرمندان و نخبگان تأثیرگذار بوده است. خلاصه، اخلاق خوب، مشتری را با خودش می‌آورد و این نکته، بالای سر استاد، همیشه قاب‌شده و آماده بوده است.

همکاری با هنرمندان برجسته: او به عنوان هنرمند در فضاهای گوناگون فعالیت می‌کرد و همکاری‌اش با حکمرانان و رهبران فکری زمانه‌اش به او فرصت شکوفایی بیشتری داد.

و در انتها نقش خانواده معنوی: بهزاد در خانواده فرهنگی و هنری رشد یافت که خود آن را ساخت. او تحت تأثیر آموزش‌های استادانش، مهارت‌های خود را پرورش داد و این خانواده در جریان یادگیری و تجربه‌هایش کمک شایانی به او کرد.



رسانواده



تأثیر رسانه بر خانواده

نویسنده محمد علی ارجمند
طراح اینفوگرافی محمدرضا رشیدی

رسانه‌ها از گذشته‌های دور نقش مهمی در زندگی بشر ایفا کرده‌اند و با ورود هر رسانه جدید، زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها و به خصوص از نظر خانوادگی، تکانی خورده است. در ایران هم این تأثیرات مثبت و منفی بر ساختار و عملکرد خانواده دیده می‌شود. با هم مروری گرافیکی بر این موضوع داشته باشیم.



رسانه ای شو

منبرها و مجلس‌های روضه:

انتقال ارزش‌های دینی و فرهنگی به خانواده‌ها با نقل روایت‌های مذهبی، داستان‌های تاریخی و مباحث اخلاقی-اعتقادی توسط علما و ذاکرین.

نقالی و قصه‌گویی:

سرگرمی، تقویت هویت ملی-مذهبی، آموزش خانواده‌ها. نقالان با استفاده از نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای (حماسه‌های شاهنامه، مختارنامه، عاشورا و...) ماجراها را نقل می‌کردند.

ادبیات شفاهی:

در قالب شعر و داستان‌های عامیانه در جمع‌های خانوادگی و محلی.

دوران قبل از صنعت چاپ

پیش از فراگیر شدن کتاب و مطبوعات



ورود صنعت چاپ به ایران

در دوره قاجار

اتفاقات:

- سریع شدن تکثیر آثار مکتوب، مانند رمان؛
- چالش انتشار آثار ترجمه‌ای مغایر با ارزش‌های ایرانی اسلامی؛
- چاپ اولین روزنامه، ۱۹۰ سال پیش در دوره قاجار؛
- باز شدن پای آثار بزرگان و روزنامه به زندگی خانواده‌های ایرانی (بیشتر خانواده‌های ثروتمند و صاحب منصب)؛



تأثیرها:

- افزایش تدریجی اطلاعات مردم مخصوصاً اطلاعات سیاسی؛
- آشنایی با رویدادها و سبک زندگی دنیای غرب؛
- تأثیر نوشته‌های روشن‌فکران بر جامعه؛
- تضاد برخی مطالب منتشر شده با ارزش‌های فرهنگی مذهبی ایران (مخصوصاً در مورد بانوان).





اتفاقات:

• اردیبهشت ۱۳۱۹ افتتاح رسمی رادیو در ایران:
 طی دو دهه از هر دو خانواده (اغلب خانواده‌های شهری) یکی
 دارای رادیو بود. برنامه‌های رادیو عبارت بودند از اخبار،
 موسیقی، نمایشنامه، سخنرانی علمی و مذهبی، برنامه ویژه
 روستا و...؛

۱۳۵۰:

• تغییر روش رادیو بعد از انقلاب اسلامی بر اساس خط مشی
 فرهنگ ایرانی اسلامی؛
 • ایجاد جذابیت‌هایی مانند طنز، مسابقه و آموزش‌های
 مخصوص خانواده‌ها؛
 • کم‌رنگ شدن علاقه به رادیو بین خانواده‌ها با ظهور رسانه
 های تصویری.



عصر صدا

۳

۴

عصر تلویزیون

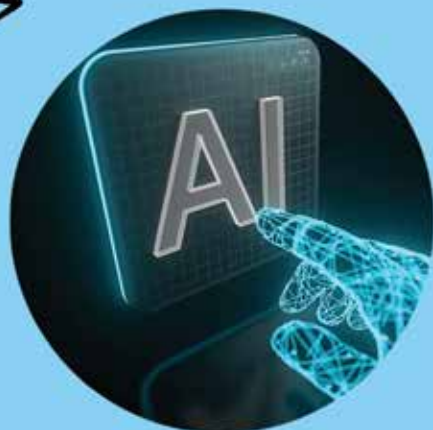
اتفاقات:

• پاییز ۱۳۳۷ راه اندازی اولین شبکه تلویزیونی در ایران به کمک بخش
 خصوصی (یک ابرسرمایه‌دار بهایی)؛
 • تبدیل شدن تلویزیون به پر نفوذترین رسانه در میان خانواده‌ها، با انواع
 محتواها (اخبار، فیلم، مجموعه تلویزیونی (سریال)، مستند، پویانمایی و...).

تأثیرها:

• فرهنگ‌سازی در جهت تقویت بعضی ارزش‌های جامعه و مقابله با برخی
 ناهنجاری‌های اجتماعی؛
 • جلب مشارکت مردم در رویدادهای سیاسی - اجتماعی (انتخابات، حادثه
 های طبیعی و غیرطبیعی، و...؛
 • گرفتن جای اغلب سرگرمی‌های سنتی؛
 • کاهش تدریجی تعامل اعضای خانواده؛
 • ترویج مصرف‌گرایی از همان زمان آغاز به کار؛
 • تأثیر منفی بر سلامت جسمی و روحی: کم‌تحرکی، اختلال در خواب، ایجاد
 فشار روانی (استرس) به سبب اخبار منفی و...؛
 • ترویج الگوهای نامناسب (الگو قرارگرفتن برخی چهره‌های معروف هنری،
 ورزشی و...).





عصر دیجیتال و فضای مجازی

اتفاقات:

- تشکیل اینترنت در دهه ۱۹۶۰ در «آژانس پروژه‌های پیشرفته تحقیقاتی و دفاعی آمریکا»؛
- انقلابی بزرگ در فناوری‌های نوین.

تأثیرها:

- امکان دسترسی آسان و سریع به اطلاعات برای همه اعضای خانواده؛
- آموزش و یادگیری از راه دور؛
- ایجاد فرصت‌های جدید برای بروز خلاقیت اعضای خانواده؛
- ارائه سرگرمی‌های متنوع در سطح‌های متفاوت (بازی، فیلم، مجموعه تلویزیونی (سریال)، موسیقی و ... و
- اعتیاد به آن؛
- کاهش مهارت‌های ارتباطی واقعی چهره‌به‌چهره (پرحرفی مجازی و انزوای واقعی)؛
- در معرض خطر قرار گرفتن اطلاعات شخصی؛
- دسترسی به محتوای غیراخلاقی یا خشونت‌آمیز؛
- تخریب عزت نفس (از طریق ترویج تجمل‌گرایی)؛
- انتشار شایعه و اخبار غیر موثق؛
- ایجاد اختلاف، شکاف و فاصله نسلی بین والدین و فرزندان؛
- جهت‌دهی به افکار عمومی توسط صاحبان ابررسانه‌ها.



اتفاقات:

• اولین جرقه‌های فکری هوش مصنوعی از قرن ۱۷ تا قرن ۱۹ در داستان‌ها، نمایشنامه‌ها و کتاب‌ها؛
• ساخت اولین ابزار هوشمند پردازش زبان طبیعی در سال ۱۹۶۴ توسط دنیل بابرو به نام «استیودنت» با قدرت درک و حل مسئله‌های جبر؛

• ساخت اولین هوش مصنوعی به نام الیزا و مکالمه انسان با رایانه (چت بات) در دهه ۱۹۶۰؛
• پیشرفت تدریجی هوش مصنوعی تا مرحله دستیاری انسان در زمینه آموزش، سرگرمی، تحلیل، کسب و کار، هنر، صنعت و....



مزیت‌ها:

• در دسترس بودن دائمی و سرعت عمل بالا؛

• کمک به برنامه‌های روزانه؛

• استفاده از انواع خدمات هوش مصنوعی در صورت طراحی بومی، به منظور کمک به ارتقای بنیان خانواده.

عیب‌ها:

• در حال تبدیل شدن به جا انسانی؛

• طراحی الگوریتم‌های جهت‌دار غالباً تحت نظر «آژانس پروژه‌های پیشرفته تحقیقاتی و دفاعی آمریکا»؛

• کم‌رنگ شدن نقش اعضا در خانواده با ابزارهایی همچون «همدم‌های مجازی» یا «تمام‌نگاشت‌های (هولوگرام‌های)

عاطفی» و «نوزادان مجازی»؛

• خطر تسلط تدریجی بر انسان از طریق تحریف باورها و اندیشه‌های صحیح.

هوش مصنوعی و آینده خانواده

۶

کلام آخر
هوش مصنوعی و در کل بستر فضای مجازی مانند تیغ تیز جراحی است که کار با آن نیاز به آموزش و کسب مهارت‌های ویژه دارد. تیغ تیزی که هر روز توسط سازندگان غربی‌اش تیزتر می‌شود و به طرز عجیبی دسترسی به آن نیز آسان‌تر می‌شود، حتی برای کودکان.



رسانه‌ها



تأثیر رسانه بر خانواده



چوب مقدس

میم. مهربان



مقدمه: پشت پرده هالیوود

آیا تا به حال به این فکر کرده‌ای که چرا درست وقتی که در حال تماشای یک فیلم اکشن یا علمی-تخیلی هستی، برای دو ساعت، زندگی خودت را فراموش می‌کنی و درگیر دنیای آن فیلم می‌شوی؟ آثار سینمایی، به خصوص آثار غول بزرگ آن، یعنی «هالیوود»، فقط سرگرمی نیستند. هالیوود «دستگاه عظیم تولید آگاهی» است. در عصری که اقتصاد بر پایه «آگاهی جمعی» می‌چرخد، استعمار در تلاش است با تحریف روایت‌ها، حاکم جهان شود. آن‌ها در ۲۴ فریم در ثانیه، نه تنها داستان، بلکه جهان بینی، ارزش‌ها و حتی خدایان جدیدی را به ما می‌فروشند!

سؤال بزرگ: هالیوود با ما چه می‌کند؟

آن‌ها می‌دانند که «انتظار یک منجی جهانی»، باوری مختص شیعه نیست. این یک «نیاز ذاتی و جهانی» است که در دل اسطوره‌ها و ادیان مصر باستان، هند، چین و یونان هم وجود دارد. این همان فلش مبارزای است که منجی حقیقی به سمت قدرت‌های ستمگر دنیا نشانه رفته است.

به همین دلیل، نوک پیکان حمله قدرت‌های فاسد، حالا دیگر به سمت نوزادگشی (مانند فرعون) یا شکنجه فیزیکی نیست. مادر «عصر انفجار اطلاعات، هوش مصنوعی و جلوه‌های ویژه» هستیم. در این دوره، سلاح اصلی همان چیزی است که به طعنه هالی-وود (چوب مقدس) نامیده می‌شود؛ چوبی که فیلمسازان بزرگ صهیونیستی می‌خواهند با آن، دریای افکار عمومی را بشکافند و «نسخه منجی حقیقی را بپنجند!»

اینجاست که پروژه شوم «منجی‌بافی» آغاز می‌شود؛ یعنی ساختن و معرفی یک منجی دروغین یا تبدیل منجی حقیقی به یک تهدید جهانی. این پروژه دو هدف کلیدی را نشانه گرفته است: «منجی‌گرایی» و «اسلام».

۱. حمله مستقیم به منجی (تولید ترس از ظهور)

شاید باور نکنید، اما هالیوود به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی، با جدیت بیشتری شروع به تولید آثاری با مضمون آخرالزمان و منجی‌گرایی کرده است. دیگر خبری از کنایه نیست! کلمه‌هایی مانند «منجی»، «ظهور»، و حتی مهدی و اصطلاحات عربی، مثل «صبح‌النورا»، به‌طور مستقیم در فیلم‌های پرفروش شنیده می‌شوند. هدف آن‌ها مشخص است: «هراس‌افکنی» و منفی‌سازی این تعابیر پاک در ذهن مردم جهان.

۲. شبیه‌سازی شگفت‌انگیز ضد منجی

اما ضربه اصلی و هوشمندانه‌ترین بخش این پروژه‌ها، ساخت شخصیت «ضد منجی» (یا همان موجود شرور داستان) است. اگر کمی با روایات معصومین (ع) درباره نشانه‌های ظهور آشنا باشید، شگفت‌زده خواهید شد! صحنه‌سازی‌های هالیوود برای ورود شخصیت شرور کاملاً منطبق بر برخی نشانه‌های ظهور امام عصر (عج) است:

- یاران شرور زمینه را برای آمدنش فراهم می‌کنند.
- موجود شرور با کل مردم جهان سخن می‌گوید.
- «صدای او» به گوش مردم هر کشوری «به زبان خودشان» می‌رسد.
- او تشکیل حکومت جهانی را اعلام می‌کند و انتقام می‌گیرد.

آن‌ها با این شبیه‌سازی دقیق، می‌خواهند امام عصر (عج) را در ذهن ناخودآگاه جهانیان، نه به‌عنوان نجات‌دهنده، بلکه به‌عنوان یک «دیکتاتور شرور جهانی» تثبیت کنند. این یعنی هدف گرفتن امید و آینده‌ما. باید با حواس جمع رویه روی استکبار بازی کنیم. کیش و مات شدن در ما «رشد جوانی‌ها» نیست.

با ما همراه باشید تا در شماره‌های آینده پرده از یک راز بزرگ برداریم!